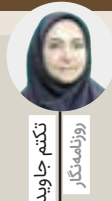


نسخه تک رقمی ها برای پشت کنکوری ها

ستاره های مشهدی آزمون سراسری امسال، از حال و هوا و دلایل موفقیتشان می گویند



کزارش روز

تکمیل کار

هرسال چند هزار نفر دانش آموز در کنکور سراسری شرکت می کنند و شاید برای خیلی هایشان هم تفاوتی نکند که دانشگاه دولتی قبول شوند یا مراکز غیردولتی. اما این رتبه ها و نتایج برای خیلی ها از جمله مسئولان تادانش آموزان نخبه مدارس اهمیت دارد. برای آموزش و پرورش مهم است چون جایگاه اداره کل هر استان را در کشور ارتقا می دهد و به دنبال آن بودجه ها و امتیازات دیگر به همراه می آورد و برای کلاس دوازدهمی ها دلهره آور است، چون پای اعتبار خانواده و مدرسه ای در میان است که روی آن ها حساب باز کرده اند. امسال ۹۱ هزار و ۳۲۶ داوطلب در پنج گروه آزمایشی، در استان در جلسه کنکور نشستند و برخلاف سال گذشته که نتایج تأسف بار بود و تنها با یک رتبه پنجم در گروه علوم انسانی خاتمه پیدا کرد، تعداد نفرات برتر کنکور ۱۴۰۳ امیدوار کننده و پرپرکت بود. کسب هفت رتبه برتر کنکور برای فرزندان خراسانی باعث شد استان در جایگاه دوم بیشترین فراوانی رتبه های تک رقمی بعد از تهران قرار بگیرد. گفت وگوهای امروز، صحبت های رتبه های برتر کنکور است که چند ساعت پس از اعلام نتایج هنوز در شوک این خوشحالی به سر می بردند.

سجاد لطفی، رتبه ۳ علوم تجربی:

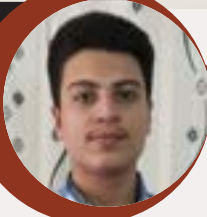
سختی دارد، اما نشد ندارد



رشته های دبیرستان برایش مبهم بود. اصلا اول قرار بود رشته دیگری بخواند اما صحبت های پدر و مادرش مسیر انتخاب رشته او را تغییر داد. والدینش علاقه داشتند او رشته تجربی بخواند و مانند پدرش پزشک شود. خودش می گوید: خیلی اصراری به رشته ها نداشتم اما با توصیه آن ها در نهایت تجربی را انتخاب کردم. شاید ابتدا مردد هم بودم ولی به تدریج و با گذراندن هر سال به این رشته علاقه مند شدم. اولش که شروع به درس خواندن کردم هدفم قبولی در رشته پزشکی بود اما کمی که پیش رفتم، فکر کردم دوست دارم کاری را که شروع کرده ام به بهترین شکل تمام کنم. وگرنه با رتبه های بالاتر از این هم همین دانشگاه و همین رشته را قبول می شدم. سجاد از دانش آموزان مدرسه هاشمی نژاد شماره یک بود. روزها در کلاس درس بود و بعد راهی سالن مطالعه می شد: سالن مطالعه مدرسه مان تا ساعت ۹ و نیم شب باز بود. تا آخرین لحظه می ماندم و بعد برمی گشتم خانه. همین همه مدت زمانی بود که درس می خواندم. تصور دیگران شاید این باشد که از ابتدای ورود به دبیرستان دوره دوم، شبانه روز درس می خوانده است اما او توضیح می دهد: نه اینکه اوایل خیلی پای درس و کتاب بنشینم اما تقریباً تیرماه یا اوایل مرداد سال ورود به کلاس یازدهم همه چیز جدی تر شد. برنامه ریزی کردم و با همان ها پیش رفتم. سالن مطالعه و مانند تا آخرین زمان هم بهترین راهی بود که بر اساس آن نظم و ترتیبی به درس خواندن من می داد. چالش های مهم مسیر درس خواندن برایش همانی است که برای دیگران هم رخ می دهد: همه تلاش را می کردم که درس ها را بفهمم، نه اینکه فقط حفظ کنم. اتفاقا درک مطلب سر جلسه کنکور کمک

اشکان میرزایی، رتبه ۹ ریاضی فیزیک:

مهارت تست زنی را تقویت کنید



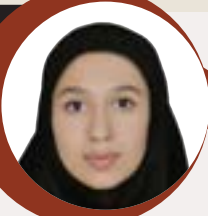
«خودم فکر می کردم رتبه ام ۶ یا ۷ شود، یعنی بهتر از این اما حالا به همین هم راضی ام». اشکان از آن بچه درس خوان هایی است که از کلاس اول زنگ صدایشان می زنی. همان وقت ها هم سر جلسات امتحان اغلب اولین نفری بوده که برگه اش را تحویل می داده و آن را به عنوان یکی از دلایل موفقیتش در کنکور اعلام می کند: سرعتم در آزمون دادن و تست زدن خیلی بالاست. از کلاس اول همین بودم. تا بچه ها به نیمه سوالات می رسیدند من برگه را تحویل داده بودم. همین سرعت در تست زنی در کنکور خیلی به دردم خورد. همین راهم به دانش آموزان سال دوازدهم توصیه می کند: سال آخر بهتر است وقتتان را به جای تمرکز روی کتاب و حفظ کردن به تست زدن بگذرانید. مهارت آزمون دادن را بیشتر کنید که در کنکور خیلی توانایی مهمی است. به جز مدرسه رفتن فقط در سال دوازدهم یک کلاس فیزیک هم ثبت نام



تکس به حسن پاشنده شهر از

بیبا ترابی، رتبه یک هنر:

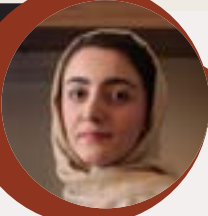
فکرش رانمی کردم چنین رتبه ای بیاورم



اگرچه می توانست رشته نظری بخواند اما هنرستان را انتخاب کرد، چون در خانواده هنردوستی به دنیا آمده و بزرگ شده است. رشته پدر و مادرش گرافیک است و او هم از ابتدا به رشته گرافیک و نقاشی علاقه داشت. هنرستانی که او درس می خواند دولتی بود و دانش آموزان خوبی دارد که رتبه های عالی در کنکور کسب کرده اند. به نظرش دانش آموزان هنرستانی باید بداند چه بخوانند که در کنکور موفق شوند: تفاوت در منابعی است که از سوی سازمان سنجش معرفی می شود در حالی که در آن سطح در مدرسه تدریس نمی شود. یعنی دانش آموز هنرستانی باید کتاب های جدید بخواند. یکی از دلایل موفقیت من تمرکز در درس ریاضی بود که در آن حد در هنرستان تدریس نشده بود. من روی همان منابع جدید تمرکز کردم. وقتی کنکور برایش جدی شد ساعت های مطالعه اش را افزایش داد: از روزی چهار تا پنج

ساغر اسفهبیدی، رتبه ۲ علوم انسانی:

تا روزی ۱۵ ساعت هم درس می خواندم



به محض انتشار رتبه ها تماس ها و پیام های دوست و آشنا این قدر زیاد شده که ساغر و خانواده اش تاصبح بیدار مانده بودند. البته ذوق و شوق نتیجه هم نمی گذاشت بخواند. او می دانست که احتمالاً رتبه خوبی خواهد آورد اما نتیجه خیلی بهتر از تصور اش بود: با تراز منتشر شده کنکور و سوابق امتحانات نهایی مطمئن شده بودم که رتبه تک رقمی می آورم اما نهایتاً ۸۰۹. وقتی رتبه ۲ را دیدم خیلی غافل گیر شدم. مادرش روان شناسی خوانده بود برای همین همیشه چون به مطالعه آزاد در متون روان شناسی و جامعه شناسی زیاد بود. علاقه به این رشته از کودکی در وجود او شکل گرفته بود: سال دهم رشته تجربی خواندم چون تصورات همه این است که شاگرد زنگ باید پزشکی بخواند اما دیدم واقعا به آن علاقه ای ندارم برای همین سال بعد تغییر رشته دادم و علوم انسانی خواندم. برای دانشگاه هم تصمیم گرفتم روان شناسی دانشگاه تهران بخوانم. از مدیر و معلمان مدرسه غیردولتی اش تعریف می کند که خیلی برای دانش آموزان کنکوری تلاش

نسترن قاسمی، رتبه ۵ زبان های خارجی:

ریاضی را دوست داشتم اما تسلطم به زبان بیشتر بود



آلمانی هم می خواندم و با آدم هایی در این حوزه حرف می زدم. او امسال هم در کنکور زبان شرکت کرد و هم در کنکور ریاضی، چون به هر دو علاقه شدیدی دارد. نسترن می گوید: فعلا در خوشحالی شنیدن رتبه ام مانده ام و تصمیم نگرفته ام که در دانشگاه زبان بخوانم یا مهندسی. خواهر بزرگ ترش هم در دانشگاه رشته معماری می خواند و شاید او هم مکانیک بخواند یا عمران. شاید هم رتبه زبانش ریاضی را تحت تأثیر قرار دهد. او شاگرد یکی از مدارس تیزهوشان بوده اما اصل درس خواندن را از سال دوازدهم شروع کرده است: برای همه دانش آموزان مهم است که در مدارس سمپاد درس بخوانند. در سال آخر درس خواندن را جدی تر شروع کردم و از نتیجه راضی هستم. دیدگاهش درباره مدارس سمپاد و موفقیت دانش آموزان این است: در این مدارس به بچه ها فضای کافی داده می شود که درس بخوانند. حتی به انتخابشان هم احترام می گذارند. شاید اگر در مدرسه دیگری بودم با آن معدل مرا تشویق می کردند تجربی بخوانم، اما در مدرسه سمپاد این گونه نیست. معلمان همیشه در دسترس هستند و فقط دنبال انجام وظایف عادی نمی روند. از دوستانش خبر دارد که کم و بیش قبولی ها خوب بوده اما در عین حال معتقد است «امسال رتبه ها نسبت به ترازها غیر منطقی بود».